

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

دهم اپریل 2013

خشم

ای خروشِ تُندِ دریاهاى دور
هدیه ام کن موجی از امواج نور
گاه بخشایم، خموشی و سکوت
گه هیاهو و گهی فریاد و شور

آیه های عشق را آغاز کن
غرق در بحر امید و راز کن
در سیاهِ ظلمتِ شبهای من
نغمه صبح وصال ساز کن

گفتم ای چشمانِ تو، پُر از صفا
رحمتی احساسی از صُنْعِ خدا
روی سقفِ آبیِ چشمت، ولی
می نبینم، چیزی جز ریب و ریا

ای تظاهر خفته در مردیِ تو
پاکِیِ عشق و به همدردیِ تو
ثبت در پندارِ من نبود به جز
خشم و قهر و جور و دلسردیِ تو

در امیدِ دیدنِ رویِ توام
در صفایِ بودنِ کویِ توام
لیکِ ترسم از جفایِ روزگار
در هراس از خلق و از خویِ توام

در گریزم از کلامِ عشقِ تو
گرمی و سردیِ نامِ عشقِ تو
هم ازین کوی و ازین برزن فرار
هم ازان وادیِ دامِ عشقِ تو

(ناهید غزل - جوزای سال 1359 - کابل نازنین)